

عمینال

دوست عزیزم انجمن

با سلام گرم پر محبت . از اسکر نقاشی در گویا و زیباتر را بر من سحر  
 نگذارید ما بزرگ شویم . راهم آفرینید اروپا و بخشنده از بسیار بسیار مگر  
 بر حسب تصادف سال ۱۳۵۷ را دیدیم و این لطف شوق انگیز تو نما جان  
 حقیقت شادم کرد . ترجمه الایا ایها که آنقدر دوستش مهادام ، به زبان  
 آنقدر توسط تو نیز یاد ترم کرد . سحر داد اگر قدر به آثار ایبرام دلام تا برام  
 یاز خوان کند و نتوانی این را به او برودم .

اما از این که دوست مگر گمان آگاهی تر قضا میر آفتاب نامه و سالها پیش  
 بدون خبر من چاپ کرد ، عیدان خوشم نیاید . از این که باید گوشه مر نام  
 بنویسم برار چاپ است . و عمالیا هم تا سفاقت این کار را ممانم  
 آنچه این را مهادام که او نسبت به من محبت دارد ، اما سر اصل  
 من گامی احاطه است این گونه مطالب را ننهادید . مگر درم بخش  
 که در این مورد با تو سخن گفتیم .

در شهری سال نو ۱۹۹۰ را با مهر و اوازی به تو دوست عزیز  
 ساد با جس و مایه . با سیتی از اینها آغاز مهادام .  
 امید دارم مثل همیشه پیروز و با بدارد و پر کار باشی .

برام نامه بنویس  
 خجسته  
 لاله

لندن . ۳ دسامبر ۱۹۸۹

به بیست و نه روح دریا که من الان گفته ام ، برایت ممنونم .